

آهنک بدیع

جوانان و نوجوانان

(درباره مطالعه و تحقیق)

- ۱- از آثار مبارکه ۶۲
- ۲- مقدمه ۶۳
- ۳- اقتراح (چند سؤال درباره مطالعه و چند جواب)
- سوالها از هیئت جوانان آهنک بدیع
جوابها از جنابان دکتر علیمراد داودی
- ۴- بدیع الله فرید - دکتر محمد افنان ۶۴
- ۵- محمد ف و روش در تحقیق معارف بهائی وحید راغتی ۷۳
- ۶- روش مطالعه علمی و کاربرد آن در تحقیق های بهائی دنیس مکین ۷۹
- ۷- در بیان راه بمقصد ۸۶
- ۸- گزارشی از مؤسسه عالی معارف بهائی ۸۷

از آثار مبارکه

" از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی با امر حقیقی در اجساد
الفاظ دمیده شد . . . " (لوح دنیا)

" از تیرگیها خود را آزاد نمائید " (لوح دنیا)

" علم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقات است از برای صعود
تحصیلش بر کل لازم " (تجلیات)

" طراز اول و تجلی اول که از افق سماء امال کتاب اشراق نموده در
معرفت انسان است بنفس خود و آنچه سبب علو و دنو و ذلت و عزت
و ثروت و فقر است . . . " (طرازات)

" دانائی از نعمتهای بزرگ الهی است تحصیل آن بر کل
لازم . . . " (طرازات)

" کلمة الله در ورق پنجم از فردوس اعلی عطیه کبری و نعمت عظمی
در رتبه اولی خرد بوده و هست اوست حافظ وجود و معین و ناصر
امر خرد پیک رحمن است و مظهر اسم علام باو مقام انسان ظاهر
و مشهود اوست دانا و معلم اول در دبستان وجود و اوست راهنما
و دارای رتبه علیا . . . " (کلمات فردوسیه)

" بشارت یازدهم تحصیل علوم و فنون از هر قبیل جائز و لکن علومیکه
نافع است و سبب و علت ترقی عباد است " (بشارات)

مشکل

انسان این اشرف مخلوقات بلاشک قوای مدرکه و شعور و حس تمیز و وجدان برتر و متعالی تر از سایر موجودات دارد ولیکن نکته قابل تامل اینست که آنها وجود این قوای نفسیه دلیل برتری اوست با اینکه کاربرد و استعمال آن در خور تحسین و تشویق است.

نگاهی بتاریخ بشریت این نکته را مسلم میدارد که مابینه فرهنگ بشریت حاصل دسترنج جمع معدودی است و اکثریت سایرین درین معرکه جیره خوار اقلیت بیدارند. هرچند این مشعلداران تمدن را بنام نابغه و یا امثال آن بخوانیم ولیکن مسلم است که اینان کار و کوشش و کنجکاوی را سرمایه خویش ساخته اند ورنج برده اند تا قافله تمدن را بلکه گامی به پیش برند و از حاصل خلاقیت ذهن خویش بهره ورسازند. مکاتب مختلف بشری که مدعی رسالت و پرچمداری تمدن و نگاهبانی دست آورد های معنوی انسانند درین نکته متفق القولند که باید بشر را آنچه که هست و آنچه که برعهده دارد آگاه نمود. و حاصل چنین آگاهی نیست جز انسانی زنده و بیدار که نه تنها سرشار از استعداد و قوای مکنون است بلکه آنها را "بیدار" نیز ساخته و بخود آگاه شده و بر مزوجسود خویش پی برده است.

هدف جوانان بهائی درین میدان جز ایمان و عمل نیست بعبارت دیگر دریافت ذهنی و عقلانی از فرهنگ بشریت و تلفیق آن با روح ایمان و قدم گذاشتن به میدان.

اقتراح

چند سوال در باره مطالعه و چند جواب

- سؤالا : از هیئت جوانان و نوجوانان
- جوابها : از جنابان دکتر داودی ، بدیع الله فرید ،
دکتر محمد افغان

سؤال : آیا می توان استغراق در بحر آیات را بخودی خود
و بدون در نظر گرفتن نتایجی که بر آن مترتب است
به هدف محسوب داشت ؟

دکتر داودی - بلی ، چون انس والفت بالحن آیات ، خو گرفتن باشیوه کلام الهی
علاوه بر فوائد دیگر حافظ ایمن و عامل تمسک و توجه است .

بدیع الله فرید - بلی ، استفاده از آیات ولذت بردن از مطالعه آن خود به هدف
است که در اثر معاریف و مطالعه فردی باید به آن برسیم آثار مترتب بر استغراق در بحر آیات
خود بخود حاصل خواهد شد .

دکتر محمد افغان - استغراق در بحر آیات بنفسه هدف است هدفی بسیار بزرگ
و پر نشئه و دلنشین زیرا ظهورات الهی بافتاب تشبیه شده (۱) و رشد و کمال حیات انسانی

۱- آفتاب حقیقی کلمه الهی است که تربیت اهل دیار معانی و ایمان منوط باوست

در گروتا پیش و پرورش آنست البته انسر با آثار و استفاده از آن با هدفی معین و بانتظار نتیجه ای معلوم کیفیتی از تحصیل حقائق است اما استغراق بی قید و شرط در بحر آیات حالی دیگر است و ذوقی دیگر زیرا چون خالی از شائبه نظرو تشخیص بشری و هاری از انتظار مسوق بفکر قبلی است و واجد انقطاع و توسل بمبداء اصلی همواره وسعتی بیشتر و قابلیت برتر خواهد داشت و حقیقت کلام الهی هر آنچه هست بمصداق " العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء " بذهن القا خواهد شد و مفهوم آیات ربانی " در مرایای وجود انسانی در هر نفسی باقتضای او اثر آن تجلی ظاهر میشود " (۱) اینست که درام الكتاب نازل " اغتمسوا فی بحر بیانی لعلم تطلعون بما فیہ من لثالی الحکمة والاسرار " که استغراق در بحر آیات را بطور مطلق و کلی تاکید و تأیید میفرمایند .

گاهی نیز اساساً " تمهین مفهوم و معنی خاص و سپس جستجو در آثار الهیه ممکن است ما را از فهم صحیح آیات منحرف نماید گرچه همواره چنین نیست ولی بهترین شکل مطالعه استفاده از مبداء فیاض بدون قید و قصد است یا عبارت دیگر تسلیم و تفویض قوای مکتونه مستفیضه در عین بصیرت و آمادگی بکسب فیض از حقائق فائضه الهیه یعنی آیات نازله .

سؤال : آیا بر انتقال سطحی معلومات از معلم به شاگرد فایده ای مترتب هست ؟

در کترو اودی — هرگونه انتقال علم از معلم به شاگرد مفید است انتقال در مرحله سطحی میتواند مقدمه مراحل دیگر باشد و تأمل و تعمق را تمهید نماید . همه اشخاص در یک مرتبه نیستند و مراتب مختلف حدود و فواصل قاطع ندارند .

بدیع اله فرید — انتقال سطحی معلومات (امری) از معلم به شاگرد مفید و موثر است بشرط آنکه این کار طبق برنامه اجراء گردد و انتقال سطحی واقعا " و حقیقه جزئی است و مرحله ای از مطالعات عمیق و دقیق بعدی تلقی شود و در تلمیذ فرور ایجاد نکند و احساس کامل بودن بوجود نیابد .

در کترو محمد افنان — کسب و انتقال معلومات باید مبتنی بر هدف روحانی و درک و فهم حقیقی باشد زیرا هر مطلبی که بذهن وارد شود و اثر مستقل دارد یکی اثر و نتیجه تفعلی

که تعلم و تحصیل دانش است و دیگر انفعالی که نمودار حالت و کیفیت است که از احساس و تصور امتیاز دانش پدید میآید نمیدانم این دو اصطلاح را صحیح بکار برده ام یا نه اما در هر حال مقصد آنست که انمان با تحصیل و کسب علم از یک طرف مخزنی از مجموعه معارف و دانشهای مستداول را در ذهن خود متشکل و متصور میسازد که بطور مجرد و پرتنهائی نه خوب است نه بد و از طرف دیگر انعکاس و عکس العمل روحی و وجدانی حاصل در وجود انسانی است که حاکی از امتیازی است که در وجود آنکه تحصیل علمی نموده است پدید میآید نتیجه این احساس و توجه با تمییز حاصل، در همه افراد یکسان نیست بر حسب قابلیتها گاهی بغرور و خود پسندی زمانی بتذکره واقع بینی وقتی بغرور تنی و گاه نیز با تحریف و اشتباه فکر منجر میشود و بنا بر این آموختن علم گاهی پسندیده است و زمانی ناپسند بسته بآنکه چه اثر انفعالی در روان و وجدان بجا گذارد اینست که در تقسیم مراتب علم که هدف آنرا یقین و اطمینان قلبی و وجدانی است دانسته اند درجاتی قائل شده اند که کل حاکی از اهمیت مراتب انفعالی و نفسانی است موضوع مهم علمی آنست که جوانان عزیز بداند فرض از کسب معارف چیست و معلومات حقیقی کدام است تا به علمی که مصداق "نقطه کثرها الجاهلون" است از علم حقیقی بی نصیب نمانند باری در انتقال معلومات نباید از توجه به هدف و مقصد از علم که مایه امتیاز و تمیز انسان از حیوان است غافل ماند بلکه باید باین بیان مبارک در ایقان شریف توجه داشت که "علم بد و قسم منقسم است علم الهی و علم شیطانی آن از الهامات سلطان حقیقی ظاهر و این از تخیلات انفس ظلمانی با هر معلم آن حضرت باری و معلم این و ساوس نفسانی بیان آن اتقوا الله یعلمکم الله و بیان این العلم حجاب الاکبر اثار آن شجر صبر و شوق و عرفان و محبت و اثار این شجر کبر و غرور و نخوت" (ایقان چاپ مصر ص ۵۸)

مفهوم "علم حجاب اکبر است" چیست؟ به عبارت دیگر آیا ممکن است عالم نشدن کسی بر عالم شدن او ارجح باشد؟

دکتر داودی - علم در صورتی که کبر و انانیت را باعث شود و اگر عالم بمناسبت علم طالب مزایای برد بگرن باشد و خود را مرجع بینگارد بهتر آن می بود که جاهل بماند.

بدیح اله فرید - شواهد تاریخی و مشاهدات عینی مصداق "علم حجاب شدن" را بمانشان میدهد ولی از آنجا که کسب علم و دانش یک وظیفه بلکه فریضه است نمیتوان از تعلیم و تعلم بعنوان اینکه علم حجاب اکبر خواهد شد خود داری کرد زیرا تشخیص زمینه ایمانی و اخلاقی

برای هدایت علم و استفاده صحیح از آن با افراد بشر نیست ولی میتوان حالت تذکر و توجه را با استفاده از دستورات مبارکه همیشه در متعلمین ایجاد کرد که مبادا خدای ناکرده کسب علم و دانش در آنان فرور و خود پسندی ایجاد کند .

دکتر محمد افغان - علمی که انسان را از درک حقیقت مقام انسانی محروم سازد حجاب اکبر است و جهل از آن بهتر است نخست باید دانست علم چیست و هدف از آن کدام است علم بشری که مقصود در این مقال همانست عبارت از مجموعه نکات و مطالبی است از طرح و نقشه کلی عالم وجود و قوانین آن و موجودات ممکن الوجود که بشر آن دست یافته است با عبارات آثار مبارکه " کشف روابط منبعت از حقائق کائنات " نخستین مطلبی که بعنوان یکی از کلیات این مبحث میتوان ذکر کرد اینست که میزان معلومات بشری در مقایسه با آنچه که نمیدانند قطره بد ریاست و امروز که علوم تجربی توسعه ای عظیم یافته عظمت این نسبت بدقت بیشتری جلوه گری میکند . دومین نکته از این کلیات علمی این لطیفه است که تا امروز تنها انسان است که قابلیت درک و فهم و استنتاج قوانین دقیق طبیعی عالم وجود را حاصل نموده یعنی بکشف مطالب علمی توفیق حاصل نموده و با عبارات دیگر از هندسه و طرح کلی عالم وجود کشف را ز کرده و با فهم و شناسائی آن در آن سهیم شده است و بالاخره اصل کلی دیگری نیز بدهن القا میشود که این طرح دقیق و بهم پیوسته که حاکی از نوعی تنوع کمال است موهون و مخلوق اراده فضیلت مطلق محیط مقتدری است که تمام جهات مختلفه را در ظل خود گرفته است ربط و تلفیق در اصل اول در مقابل اصل سوم این نکته دقیق و وظیفه اصیل را با انسان منصف تلقین مینماید که هر چه بیشتر خود را از قیود فانی مشترک با بقیه موجودات بگسلد و مرکز کمال نزدیک سازد و وسیله تحقق این آرزو ترقی و توسعه علم است علمی که متکی به هدفی باشد و مقصد و غایت قصوائی داشته باشد نه علم مطلق زیرا علم مطلق در دسترس بشر نتواند بود و علم محدود و واکنشایی که بی تردید ناقص است اگر بدون هدف و مقصد باشد بچ است و اگر مقصد آن استعمال و تکامل نباشد پست و بی حاصل و ارزش خواهد بود و بدون شك این مقصد باید در طریق تربیت و تکامل نوع انسان باشد و گرنه نقض غرض خواهد بود و تربیت نوع انسانی باید متکی و مبتنی بر وحدت مفاهیم ، وحدت مقاصد و وحدت اهداف خاندان انسان بنیاد نهادن شود . مظاهر کامل این اصول و اهداف مظاهر الهی هستند که بعلمت اطلاع بر حقائق اسرار کائنات و استفاضه از فیض عالم حق مظهر علم الهی هستند عرفان و ایمان با ایشان در رهبر دور علم حقیقی است که از " الهامات سلطان حقیقی ظاهر " (۱) و مقابله و معارضه با آن جواهر وجود تخیلات شیطانی است حال اگر کسی علوم و معارف معموله را فرا گیرد و در نتیجه عدم توجه به هدف و مقصد علم که شناسائی حقیقت و هماهنگی با آنست بخبر و وسوسه نفسانسی مبتلا شود البته آن علم حجاب اکبر شود و او را از پیروی نور مبین محروم سازد و البته این

موقعیت بازیک منحصر باهم ظهور نیست در هر عصر و عهدی و در هر مقام و مرتبه ای ممکن است انسان بعلمت محرومی از فیض رحمان در امتحان بلغزد و بسوء خاتمه دچار شود علم حجاب اکبر شود و توفیق حق منتطع گردد و چون از امتحان چاره نیست باید دوستان در باره یکدیگر دعا کنند و تائبند طلبند که ای خدای پر عطا

قطره علمی که بخشیدی ز پیش متصل گردان بدریاهای خویش

باشد که حفظ و دهد ایت فرماید و از ساوس علم محفوظ دارد .

سؤال : مطالعه معارف امر متوجه چه هدفی است ؟ ایمان
دانشمند شدن - عمل با احکام - نیل بمقام انسانی
والا تر - آیا برای کسی که بدون " خواندن " به
فضل آلهی به عرفان حقیقی مظهر امر فائز شود
مطالعه معارف امر لزومی دارد ؟

دکتر داودی - دانشمند شدن مقدمه است ایمان و عمل نتیجه قریب و فوری است
نیل بمقام انسان حقیقی غایت قصوی است مطالعه معارف امری به هر صورت مفید است .

بدیع اله فرید - مطالعه معارف امر منحصر باید متوجه فهم حقایق و معانی مندرج در
کلمات الهیه باشد سایر نتایج بخودی خود بدست خواهد آمد و مطالعه مستمر برای عارف و غیر
عارف ضرورت دارد چه قطع رابطه با سرچشمه آثار مبارکه تدریجا ضعف و نپسند بوجود
خواهد آورد .

دکتر محمد افغان - بحث این مطلب یاد و مبحث قبلی ارتباط فراوان دارد موضوع
دوم حکایت از بی هدف علم آموختن داشت که اصولا با مکاتب روحانی و مآرب دینی هماهنگ
نیست زیرا ادیان همواره بشرومنادی اهداف و امیدند مطلب سوم متضمن بررسی کیفیت
بود که اگر بهتر بگوئیم حاکی از نفعی است زیرا در جهت تفرقه و انشقاق و دوری و محرومیت از اصیل
وحدت و اتحاد انسانی است .

اینکه در این بحث (مربوط بمطلب چهارم) باید گفت هدف از کسب معارف بهائیس
هم ایمان و عرفان است هم دانش و علم آموختن هم اتصاف بعمل و احکام و هم ارتقا بمقام والای
انسانی و ضمناً هیچ یک از این عناوین هم نیست همه است ولی هیچ یک نیست .
همه اینها است زیرا هر یک از این کیفیتها حاکی از تجلی کمال انسانی در مراتب وجود است

وهدف حیات انسانی و تحصیل معارف روحانی نیز وصول بکمال است .
 هیچیک از این همه نیست زیرا این اسامی و تعاریف قراردادی و انتزاعی است اگر
 آنها را قبل از تحقق وجودی و تمثل امکانی و تشخیص حقیقی بپذیریم ابتدا هدف ناشناخته
 و خود برداشته ای را پذیرفته ایم و بی شک خواهیم کوشید تا افراد را در آن قوالب و طرح های
 لفظی از نوبیازیم ظاهراً این خلاف اصل است زیرا آن هدف اولیه ساخته و برداشته علم محدود
 ناقص تجارب اجتماعی ماست نه مبتنی بر روابط حقیقی کائنات اصل آنست که حقیقت
 وجود انسانی و ذهن و روان بشری بطور غیر متعین در تحت تاثیر کلمه الهی که مریس عالم
 انسانی است قرار گیرد تا تربیت حقیقی حاصل گردد عالی ترین و وسیط ترین و کلی ترین تعلیم
 که باید فراگرفت اقرار و یقین باین لطیفه ربانی است که کلمه الهی مظهری فعل مایشاء است
 و هنگامی که کسی باین مقام رسیده که این نکته را بیقین بپذیرد قابلیت انتقال و دریافت
 حقیقت آیات الهیه را بتمامها حاصل مینماید و چون ابتدا از وصف وجود فانی شده قابیل
 تجلیات حقیقی و وصول بکمالات الهی میشود و معرفان حقیقی فائز میگردد اینجا ابتدای طریق
 است و مطالعه معارف امر که استفاده از مبدأ فیاض است نشئه و ذوقی است که از این پس
 بین طالب و مطلوب و قطره و دریا و اشعه و آفتاب حاصل میشود بنا بر این هرگز چنین عارف واصلی
 از ذوق این وابستگی و ارتباط خالی و بی نصیب نخواهد بود . لوح مبارکی از حضرت عبدالبهاء
 جل شانه صادر که در این خصوص فصل الخطاب است .

هوالبهی

سعادت در علم است و علم در تقوی و تقوی در انقطاع و تنفراز جمیع
 زخارف دنیا و انقطاع عشق الهی آرد عشق تلاوت آیات و مناجات
 خواهد و جذبه آیات تهذیب اخلاق کند یعنی صدق در راه حق
 و انصاف با خلق و قطع بانفیس و صحبت بانیکان و دوری از جاهلان
 و حرمت مهتران و شفقت با کهتران و نصیحت بادستان و حلم با
 دشمنان و بذل بر فقیران و محبت با اهل جهان و هدایت گمگشتگان
 اینست سعادت عظمی و عطیه کبری و موهبت لایحسی فطوری
 للعالمین

عبدالبهاء عباس

هدایت معبد اعلی در بهام ۷ شهر القبول ۱۳۳ نیز ما را بهمین نکته متذکر میدارد
 "اگر اشتغال نارمحبت الله خواهیم باید بتلاوت آیات و مناجات و مطالعه آثار پیرد ازیم
 و برکت کلمه الله که چون باران معرفت از سحاب رحمت الهیه فیضان فرموده نهال قلوب
 روح را تروتازه کنیم و از نفعات وحی زنده شویم"

سؤال : آیا اصولی علمی و " روشی " برای اکتساب معارف
 و میزانی برای سنجش شریخش بودن این مطالعه
 وجود دارد ؟ مثلا " : اینکه کسی پس از سالها
 تحصیل زبان در دبیرستان هنوز قادر بر ساختن یک
 جمله انگلیسی نمیشد بدلیل فقدان کدامیک از
 اصول مطالعه است ؟ و آیا بنظر شما در مطالعات
 امری جوانان هم نظایر آن دیده نمی شود ؟

دکتر اودی - البته انتخاب روش صحیح موثرترین عامل برای مفید بودن تحصیلات
 و مطالعات است در مورد معارف امری بهترین روش این است که مطالعه و تحصیل با تبلیغ
 هم فنان باشد تبلیغ آزمایشگاه دروس امری است چون علم صحیح بهائی آن است که
 تبلیغ امر موثر باشد .

بدینچه اله فرید - اصول علمی و روش خاصی را در این باره نمیتوان ارائه داد جوانان
 علاقمند میتوانند ، مستقیما به مطالعه آثار مبارکه بپردازند و با از تجربیات معلمان و کسانی که در این
 زمینه اقدام کرده اند استفاده کنند . در مطالعه آثار مبارکه ایجاد شوق و شور اولیه لازم است
 مطالعات و مهارت های بعدی بر اساس حرکت اولیه ایجاد خواهد شد .

دکتر محمد افغان - علوم و معارف را معمولا بدو کیفیت نظری و علمی بررسی مینمایند
 و امروز جنبه علمی بسیاری از علوم اهمیتی بیش و مقامی پیش تر یافته است و اساسا چه بسا از علوم
 نظری را برای نتایج عملی تعقیب و تحصیل مینمایند هدف از تحصیل معارف امری اینست
 حائز جنبه علمی باشد و جنبه علمی و کیفیت آن باید هم در صفات و شئون و افکار و اطوار افراد
 تجلی فرماید و هم در افاضه و تعلیم و ابلاغ و تربیت بگردد و لذت و روش علمی مبتنی بر اصول علمی
 حائزه مرحله انس با الواح و تحصیل آن ، اکتساب آداب و تخلق بحقائق مندرجه در آثار
 و بالاخره افاضه و نشر مراتب آن حقائق الهیه است اگر این سه مرحله بتدریج و استمرار مداومت
 و انجام پذیرد مقبول آستان الهی است زیرا متضمن هدایت و تربیت و ابلاغ و تبلیغ است ، موثر
 در حیات فردی و اجتماعی است زیرا کافل تنزیه و تربیت نفس و تکمیل و ارتقاء روح افراد است
 و بالاخره باعث کمال و جمال زندگی جسمانی است زیرا سبب آراستگی و پرازندگی افراد معلوم
 و کمالات صوری و توسعه دایره علم و فرهنگ است .

علت آنکه بعضی اوقات بمانند آموزش زبان در مدارس که بسا اوقات ناقص مینمانند
 تحصیل معارف امری نیز مقیم وی حاصل میشود همانست که فقط در مرحله اول بتحصیل معارف
 منحصر میشود و انس و لذت از آن بدست نماید و در نتیجه مراحل دوم و سوم که مدارج
 تکمیلی است حاصل نمیشود .

میزان شریخی و ارزندگی تحصیل و تعلم معارف امری تنها بتحصیل و تدریج در درجات
 کمال انسانی و اخلاقی است که در بیان مبارک حضرت مهدی البها مذکور و آن اشاره شد و در

آثار مبارکه حضرت بهاء الله نیز مکرر مذکور است
به ایقان مبارک صفحه ۱۶۲ ولوح مبارک مندرج در آثار قلم اعلی (ضمانت اقدس بزرگ) صفحه
۱۷ مراجعه شود .

سؤال : نقش مطالعات جنبی و مطالعه معارف غیر امری
در حیات عقلانی جوانان بهائی چیست ؟

دکتر داودی - مطالعه ادبیات کلاسیک فارسی و عربی ضرورت دارد مطالعه علوم
انسانی و فلسفه فقط در صورتی تاثیر مثبت میگذارد که با تفصیل و تعمق همراه باشد مطالعه
اجمالی و علم ناقص علی الخصوص از طریق مجلات و جرائد مضرات .

بدیع اله فرید - خواندن عربی و انگلیسی (همانطور که توصیه فرموده اند) و آشنایی
بتاریخ ایران و معارف اسلامی و کتب مقدسه قبل در فهم آثار مبارکه این امر بسیار موثر است .

دکتر محمد افغان - مطالعه معارف غیر امری حائز اهمیت زیاد است زیرا ما را به عظمت
و اهمیت و جلال و لزومیت تعالیم و آثار الهی که روح عصر است متوجه خواهد ساخت زیرا طبق
اصطلاح : "تصرف الاشياء باضدادها" بهتر میتوان بارزش حقیقت امری بردگرچه
بسیاری از معارف موجود علمی معرف اصالت امر الهی و احتیاج عالم بآنست .
اماد و مطلب رانعی باید فراموش کرد

۱- اساس و بنای کلیه حقائق و تعالیم و اصول امر الهی است و بقیه علوم و معارف باید
باین قسط اساعظم و میزان اقوم سنجیده شود و مقام قبول و یار و منوط بمقایسه با امر الهی است
۲- هر اثر مکتوب و منظوم و رانعی باید معارف دانست و از مجموعه علوم و حقائق شمرده
چسبکه تراوشات افکار سقیمه و تربیت های ناقصه منحرفه از مقوله زخارف قول است
و مباحثی که از حرف ابتداشود و بحرف انتها باید لایق اعتنا نبوده و نیست .

سؤال : آیا تسلط بزبان دیگری غیر از فارسی را برای مطالعات
امری ضروری می شمارید ؟



دکتر داودی - البته کسی که عربی نمیداند چون در واقع باید گفت که فارسی نمیداند خارج از مورد بحث است. در حال حاضر آشنائی کافی بزبان انگلیسی برای مطالعه آثار مبارکه حضرت ولی امرالله ضرورت دارد.

بدیع اله فرید - آشنائی بزبان عربی مفید و موثر است، افراد زیادی راهم سراغ داریم که عشق و انجذاب آنان کمبود دانستن عربی را جبران کرده و به خواندن و فهم مطالب آیات الهیه نسبتاً تسلط یافته اند.

دکتر محمد افنان - تصور نمیکنم هیچ کس از فرزندان مهد امرالله خود را از آشنائیسی بزبانهای عربی و انگلیسی و البته فارسی معاف بداند ولی آرزو مند کسب معارف بهائی باشد زیرا استفاده از مدارک اصلی و متون اصیل این معارف جلیل القدر البته بلسان اصیل خوشتر و شهرین تر است. فرصت کم است و مطلب بسیار باشد که مستقلاً این گفتار را قلمی هدایست آثار اظهاردارد که نه حدایین تلمذ شعراست و همین حد که رفت خطا بود و امید از صاحب نظران عطا و وفاست و صفح و صفا

هدف و روش در تحقیق معارف بهائی

و حید را مفتی

هدف و روش در تحقیق معارف بهائی موضوعی فوق العاده مهم و وسیع است چون در این اوراق معدود امکان شرح و بسط همه مسائل مربوط به این موضوع موجود نبود به اختصار به رؤوس امهات مسائل اشاره نمود و به توضیح چند نکته اکتفا کرد .

جمع ، تدوین و انتشار آثار مبارکه امیر بهائی که در شئون مختلفه به صورت کتب سور ، الواح تفاسیر و ادعیه نازل شده امری اساسی ، مشکل ، دقیق و مستلزم صرف وقت و پشتکار فوق العاده است .

از آنچه در مدت بیش از یک قرن از قلم طلعات مقدسه بهائی صادر شده مجلداتی جمع آوری گردیده ولی تا کنون تعداد معدودی از آنها طبع و انتشار یافته است . از آنچه منتشر شده اثری هنوز مورد مطالعه و تحقیق علمی واقع نگشته و آنچه تا امروز در کتب و رسائل فضلی بهائی در

شرق و غرب آمده است ، غیر از مسائلی استدلالی که در آنها مجاهدت بهشتی بعمل آمده ، میتواند صرفاً بمنزله طلوعهای برای مطالعات علمی در چندین قرن آتی تلقی شود .

مطالعه و تحقیق دقیق در افکار و آثار مندرج در آثار مبارکه باید عبارت از بررسی مقایسه ، تحلیل و تطبیق مطالب مندرج در آثار نازل باشد . کشف روابط موجود بین حقایق موجود در آثار مبارکه و نیز تحقیق در سیر تحول افکاری که در این آثار منعکس گردیده است و همچنین تحقیق و مطالعه در اطراف ریشه های فکری حقایقی که به اجمال در اثری مورد اشاره واقع شده میتواند عبارت از مطالعه و تحقیق در آثار بهائی بحساب آید . در جریان این چنین تحقیقی است که روابط جدید کشف میگردد ، حقایق موجود در آثار مبارکه از دیدگاههای جدید مطرح میشود ، وجوه

تازه مورد سؤال و پژوهش واقع میگردد و ارزشها و معیارهای وضع شده مورد ارزیابی محقق قرار میگردد. نتیجه این نوع جستجو تقویت بنیه فرهنگی جامعه و نیز کشف رموز و اسرار مودعه در آثار الهیه و تدوین افکار و اعتقادات اهل بهاء در مسائل مختلفه مذهبی، فلسفی، اجتماعی و تاریخی است.

در این چنین تحقیقی است که محقق برای ایجاد رابطه نو بین حقایق موجود میکوشد. او از آنچه قبلا در زمینه مطالب مورد تحقیق وی انجام شده کاملاً بهره میگیرد، آنها را بررسی و مطالعه میکند ولی از تکرار نتایج آن تحقیقات خودداری نموده کوشش مینماید تا نتایجی جدید بدست آورد و جنبه‌های نامطرح کند که در آثار قبلی به آنها اصلاً و یا بعد لزوم توجه نشده است. علم و اطلاع محقق از کتب و رسالات و هر نوع مطالعه انجام شده در زمینه کاری که میکند حائز کمال اهمیت است. اما کوششی که میکند آنست که از تکرار تحقیقات می‌پرهیزد و قضا یا راه‌ها نظری جدید مطرح میکند. او ممکن است اشکالات و با نقائص مطالعات گذشته و جهات ضعف آن را مطلق نظر قرار دهد در هر حال غرض غائی از تحقیق آنست که چیزی بر علم و اطلاع موجود بیفزاید، حقیقتی را که مورد التفات واقع نشده شرح دهد، نکته جدیدی را بازگو کند، رابطه تازه‌ای بیابد و یا به استنتاجی جدید دست یابد.

مطالعه و تحقیقی که باین نحوها باین هدف انجام میگردد باید مبتنی بر امهات

آثار مبارکه در باره آراء و افکار مورد مطالعه باشد. در طریق این نوع تحقیق که نشان دهنده تولد، توسعه و کمال عقاید است باید آثار مبارکه به ترتیب نزول مورد بررسی محقق قرار گیرد و مراحل تحول یک نظریه از لوحی به لوح دیگر و از دوره‌ای به دوره بعدی مورد مطالعه واقع شود. بررسی مسائل مندرج در هر اثر بطور مجزا و با مطالعه عقیده‌ای خاص در دوره‌ای - معین نیز باید با توجه به رابطه‌ای که آن اثر و افکار با کل آثار و افکار بهائیتی دارند مطالعه شود. این نوع تحقیق و بررسی که تحقیق و بررسی جزء به خودی خود و در رابطه با کل است، میتواند زیر بنای مطالعه سیر تکاملی عقاید قرار گیرد چون بسیاری از آثار مبارکه هنوز در دسترس نیست، آنچه در این ایام در زمینه افکار و عقاید دینانت بهائی بیان میشود طبیعتاً مبتنی بر مواد منشور است و بی شک انتشار آثار دیگر نیز تنها زوایای آنچه را که امروز مبهم است روشن خواهد نمود بلکه امکان مطالعه تحولات آراء مختلفه را در آثار وادار مختلفه به محقق آثار بهائیتی خواهد داد. با آنکه تحقیق دقیق و همه جانبه در آثار مبارکه باید مبتنی بر تحلیل و مقایسه آثار و بر اساس امهات آنها باشد اما عدم دسترس کامل به آنها نباید مانع از شروع تحقیق گردد. موکول کردن تحقیقات به زمانی که همه آثار مبارکه در دسترس قرار گیرد امری غیر عملی و نسنجیده است. باید بر اساس مطالب موجود تحقیق را آغاز نمود و تکمیل تدریجی تحقیقات را که لازمه هر نوع تحقیقی است موکول به نشر

و جمع آوری آثار دیگر نمود .

بدیهی است که در تحقیق آراء و افکار موجود در يك نهضت جدید کار محقق نمیتواند صرفاً مبتنی بر آثار موجود در همان نهضت باشد . این امر در شروع تحقیق خصوصاً مهم است زیرا تا زمانی که تحقیقات مربوط به يك نهضت شکل نهائی و روش خاص خود را که مبتنی بر خصوصیات اصول و عقاید آن نهضت است ، نگرفته است هر نوع مطالعه ای میتواند مویس بر روشها و انواع تحقیقاتی باشد که در طول قرون در سایر نهضت ها انجام شده و به شکل نهائی رسیده است .

بد بگرسخن محقق نهضت جدید را غالباً چاره ای نیست جز آنکه در ابتدا راه رفته دیگران را بیماید ، از تجربیات و روشهایشان سود جوید ، وسائل و ابزارشان را بکار گیرید و با اعمال روش خاص و متناسب با شرایط و خواص نهضت جدید را به مرور طرح ریزی نماید و آنرا از روشهای کهن بتدریج مشخص و ممتاز سازد . در سهیل این استفاده هشیاری و توجه محقق با این مسئله خطیر که با نظامی جدید سروکار دارد و ممکن است روش مستعمل در سایر انظمه دقیقاً بکار آید و یا احتیاجات او را بر آورده نسازد ، حائز کمال اهمیت است . باید در عین استفاده از راه رفته دیگران به اصالت نظم جدید و شرائط خاص آن دائماً واقف بود و در ریختن عیولانه و نسجیده نظم جدید در قالب شکل یافته کهن اجتناب نمود .

توجه به نظام کهن و اصولی که آن نظام بر آنها مبتنی است ، به علاوه شرایطی

که نظام کهن در تحت آنها نضج گرفته و بارور گردیده است برای محقق نظام جدید امری ضروری است زیرا هیچ نهضتی در خلاف بوجود نیاید بلکه در مکانی بوجود میاید که نظامی فکری و عقیدتی بر آن حکم فرماست و نهضت جدید نه از فکر و عقیده حکم فرما در محیطش جداست و نه غیر متاثر از آن است بلکه از آن میگیرد و آن میدهد و این فعل و انفعال که در مرز میان صورت میگیرد به ظهور شکل نهائی افکار موجود در يك نهضت می انجامد . اعتقاد به تاثیر و تاثیر نهضت جدید در رابطه با نظام فکری موجود به منزله انکار حقیقت وحی یا جنبه الهی و نزولی شرایع الهیه حفظ میگردد این امر نیز همواره مطمح نظر قرار میگیرد که نظام فکری جدید بر اساس روابط منبسطه از حقایق موجود است . به بیان دیگر نظام جدید بر بنیان اعتقادات و ملاکهای موجود در جامعه بنیاد میشود . در این سهیل نهضت جدید بعضی از آنچه را که در جامعه بعنوان ملاکها و ارزشهای روحانی و اعتقادی مورد قبول است گاهی میزد سرد گاهی رد میکند و گاهی با تغییری که در آن بوجود میآورد آن را دوباره عرضه میسازد و گاهی اعتقاداتی را بوجود میآورد که منفصل از اعتقادات قبلی نبوده بلکه صورت تکامل یافته معتقدات آنهاست . بنا بر این نظام دینی بعنوان پدیده ای اجتماعی جدا از ارزشها ، ملاکها و روابط موجودی که بر اساس آنها متولد میشود قابل مطالعه نیست . در عین حال آشنائی با ملاکهای زمینه ، شرط لازم برای درک آراء و افکار

نظام جدید است و سعی در ایجاد و فهم ارتباط بین این شرایط و آنچه تشریح شده کاری دقیق و ضروری و علمی است.

بنا بر آنچه گذشت وحی در تجلی خویش در عالم ناسوت قوالی رامیپذیرد که موسس بر آداب و عادات و افکار و اعتقادات موجود در جامعه است. این پذیرش اگر چه ممکن است به نفوذ فرهنگ و دینانت سلف در خلف تعبیر شود ولی در همین حال مخالف اصالت و میراثی که خاص هر شریعت است نیست. آنچه بوحی الهی نازل میگردد و نام شریعت برخوردار میگردد در عین مؤسس بودن بر شرایط موجود مبتنی بر فطرت صاحب شریعت است که حکایت از عدم اکتساب این عقاید از شخصی دیگر و انتساب آن بذات الهی دارد. نزول شریعت بر فطرت، و نه بر اکتساب، کار را بر محقق مسائل الهی سخت مشکل میکند. زیرا محقق در تحقیق خویش در بند اصول و قواعد اکتسابی خویش است و کلام فطری که آزاد از قید هر نوع "اكتساب" است نمیتواند در بسیاری از مواقع به معیارهای تحقیقی محقق در آید زیرا شارع الهی خود را در تنزیل عقاید و آراء شرع جدید مقید به تمسک طابق النعل بالنعل از قبود بشری نمیداند و این نکته کار تحقیق در آثار الهیه را مشکل میکند.

محققی که کمر همت به شرح اثر شاعری یا فقهی بسته است خود را با او در عالم کاملاً جدا احساس نمیکند زیرا ملاکهای یکسان، روش یکسان و قواعد و اصول یکسانی بر اثر نویسنده و شرحی که شارح بر آن مینویسد حکم فرماست. اما شارع الهی

را با شارح بشری تفاوت بسیار است کلام شارع که به وحی الهی است و مستفید از فطرت اصلیه، از خواصی برخوردار است که در قالب تجربه و فهم محدود بشری در بسیاری موارد در نمی آید قالبی که در اثری از شارع الهی برای بیان فکری بکار رفته در اثر دیگر از او حاصل فکر دیگری است و یا مفهومی که در آثار نویسندگان گوناگون معنی خاص یافته و یا بیک معنی استعمال شده در اثر مظهر امر الهی معنی جدید بخود میگیرد و یا در آثار مختلف شخص او به معانی مختلف بکار میروند. این است که در کار با آثار الهیه "وجوه" مختلفه و "الحنان" متعدد را باید مطمح نظر قرار داد و از شباهت قوالب الهی و قوالب بشری بی محابا رأی به شباهت فکر موجود در قوالب ندارد. این نکات محقق آثار بهائی را پیش از هر محقق دیگری که راه رفتن را می پیماید - بر آن می دارد که در تحقیق و تتبع خویش فوق العاده دقیق و با پشتکار باشد. وقت تخریب العاده که لازمه هر نوع تحقیقی است محقق را ناچار میسازد که به اسناد و کتب و آثار متعدد معتبره رجوع نماید، اطراف و زوایای قضیه مورد مطالعه را از جهات مختلفه بسنجد، از صد ورا حکام کلی و استنتاجات نسنجیده احتراز کند و در بیان نتایجی که بد آنها دست می یابد نهایت حزم و احتیاط را بکار بندد. او باید آمادگی و انعطاف کافی داشته باشد تا احیاناً جاهاتی را که موفق به فهم و درک آنها در مرحله مقدماتی از تحقیق خویش نشده و بعد ابد آنها شعور

بهد انموده است باشجاعت اعلان دارد. او همچنین باید به نقائص کار خویش متذکر و معترف باشد و از آنچنان خصومی برخوردار باشد که هر انتقاد منطقی را بجان پذیرا شود و در صد اصلاح لغزش هائی که غالباً در هر نوع تحقیق رخ میدهد برآید مهمترین صفت محقق عالم و دقیق آنست که در ارائه اسناد و ماخذ و نیز بیابان استنتاجاتی که بدانها واصل گشته است به حد وسواس صدیق باشد. او باید ماخذ و منبع هر قولی را ولو کم اهمیت باشد صریحاً و با نشانیهایی لازم معرفی کند و حد و استفاده خویش را از منابع مورد استفاده حتی الامکان واضحاً و قیفاً مشخص سازد.

نتیجه تحقیقی که با توجه به این شرایط به جامعه عرضه میشود باید در

نهایت وضوح و روشنی باشد، هر نوع لفاظی و استفاده بی دلیل از صنایع ادبی مخالف روح تحقیق و تتبع علمی است. اثر تحقیقی باید حتی الامکان روان و سلیس نوشته شود و خواننده مراد جابجاء ابهام و اشکال فکری در فهم مقصود نویسنده نسازد. محقق باید نتایج تحقیقات را به صورتی کاملاً مدون، منظم و دقیق و خالی از هر نوع ابهام و نارسائی در معرض استفاده دیگران قرار دهد. ثمره این نوع تحقیقات است که دائماً بر بنیه فرهنگی جامعه می افزاید و حقایق و روابط جدید را مطرح میکند. این نوع تحقیق است که راهی جدید برای تحقیقی جدید میگشاید و برونسعت علم انسان می افزاید.





نویسنده این مقاله آقای دنیس مکین Denis Mac. Eion
در حال حاضر در دوره دکترای دانشگاه کمبریج در زمینه سابقه
ادیان باستان و بهائی مشغول تحقیق اند .
از کارهای تحقیقی مهمی که دارند مجموعه ای است با نام
" بررسی انتقادی در مآخذ تاریخ و آئین باهیه " که عنقریب در
انگلستان انتشار خواهد یافت .
مقاله ذیل را ایشان به تقاضای هیئت جوانان آهنگ
بدیع نوشته اند .

روش مطالعه علمی

و کاربرد آن در تحقیق های بهائی

" حق چاپ برای دنیس مکین محفوظ است "

خصوصیت اصلی همه مطالعاتی که در فرهنگستانها و دانشگاه های غرب انجام میگیرد
دارا بودن روندی تا حد ممکن علمی است . معیارهایی که بخصوص در تحقیق های دوره دکترای
و بعد آن ارزشمندند و بکار گرفته میشوند وقت و بهیئت علمی ، عدالت و اصالت در معنای است
و شمول آنها در تحقیق های تاریخ و جامعه شناسی به همان قدری است که در فیزیک اتمی
و موشمی ، گویانکه در اصل تطابق به نشان نیست .
بیش از یکصد سال است که این روند علمی در کارهای تحقیقی در دانشگاه های غرب
نفوذ یافته و معیارهایی که در طول این سالها در کشورهای انگلستان ، آلمان ، ایالت متحده
امریکا و بعضی نقاط دیگر عالم بدست آمده در کنار دیگر معارف پیشرفته غربی در سایر حیطه ها
حالم به تدریج تمهید یافته و همچنان در حال توسعه است .
در دانشگاه های جدید التاسیس کشورهای اسلامی و خاور میانه این ارزش ها به
تدریج پذیرفته میشود ولیکن نظام مدارس سنتی اسلامی که در تعلیم معارف نقلی بیشتر از

علمی متکی است همچنان شیوه ای رایجی بندد که در کل فاکتوری زبان بخش دارد . تاکنون
معدودی دانشگاه خارج از امریکا ، اروپا و استرالیا اصول آزادی فرهنگی و آزادی بیان
در انتشارات دانشگاهی را تممیم داده اند .

برای آگاهی از چگونگی توسعه این نظام در غرب میباید نخست نگاهی گنیم به شروع
انقلابی علمی در اواخر قرن شانزده میلادی . در نجوم کارکپرنیک ، گالیله ، کپلر و بکمان
حلت تغییر اساسی در تصور انسان از کیهان شد و منجر به وضع فرضیه ای بنیادی در فیزیک
از سوی نیوتن گردید . قرن هیجدهم در غرب " دوره بیداری " یا " عصر خرد " شناخته
میشود چه که خرد انسانی را از ایمان ناآگاهانه مذهبی آزاد کرد و پایه ای برای آگاهی انسان
از جهان و خویش بناساخت .

اگرچه در انقلاب رمانتیک اوائل قرن نوزدهم و بعد ها اعتقاد به " عقل مطلق " با
عقیده ای در حال تکامل در " خرد گرایی " انسان " (که نظیر کارزیگموند فروید سیمای فکری
اوایل قرن نوزده و اوایل قرن بیستم بود) تغییر یافته لکن نقش اساسی " خرد گرایی فلسفی " در
تفکر کمتر مورد سوال واقع گردیده است . اگرچه عقل به عنوان حکم نهائی هستی انسان
و کلید حل همه مشکلات عالم پذیرفته نیست لکن هنوز یکی از نیروهای اصلی در حیات فعلی
است و در همه انواع مطالعات علمی همچنان عاملی ضروری شناخته میشود . با " پدید آیی
علوم جدید " تقریباً از اواسط قرن نوزدهم میلادی تا بحال پیشرفتی اساسی در روش تحقیق
اروپائی پدید آمده است .

علوم سیاسی به هدایت مردانی نظیر مایکلز Robert Michels و موسکا
Gaetano Mosca بصورت نظام علمی جدیدی تاسیس یافت که در آن مطالعات تجربی با
فرضیات مستدل درهم آمیخت .

تحت نفوذ چارلز داروین ، اوگوست کنت ، امیل دورکهایم ، ویلفرد وپا و لویوماکس ویر
انسان شناسی و جامعه شناسی انسان و جامعه را موضوع ساخت و مذهب را نیز در محیط
تفکر علمی و عقلانی قرار داد .

در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم وونت Wilhelm Wondt با ولسوف
Ivan Pavlov و فروید Sigmund Freud مطالعه علمی " روان انسان " را پایه گذاشتند
که به نام " روانشناسی " شناخته شد .

در همین دوره اشاعه این کیفیات تازه از همان اعتبار نظام های مختلف قدیم
برخورد آید .

اقتصاد دانانی نظیر کارل مارکس ، استانی ایوانز و آمار شناسانی نظیر جورجون مایر
نمون علمی را در اقتصاد ، جمعیت شناسی و مطالعات وابسته به آنها بکار گرفته تحت قواعدی
کاملاً دقیق مرتب ساختند . بخصوص مورخان به کمک توسعه علم جدید " باستان شناسی " در
دینی واگدارن شیوه های کهن نگارش تاریخ و بکار بردن روشهای علمی برای رسیدن به
آگاهی دقیقتر از گذشته انسان شدند .

فون رنك Von Ranke و دیگران این اصل را استوار ساختند که کارکسل کننده در بایگانی ها، استفاده از اسناد منابع و مآخذ اولیه حکما مادی اصلی برای نگارش هر نوع تاریخ است. به مرور بسیاری فرضیات که از قدیم در تاریخ مذہبی و نظری تعمیم داشت تحولاتی عمیق یافته است. معلم بیش از آنکه مجموعه ای از اصول باشد راهنمای تفکر است. بیشتر تمایل به تفکر است تا ثمره یافتن از آن و در این احوال مورخ، جامعه شناس و پاروانکا و هم ارز یک فیزیکدان و یا شمیدان عالم محسوب میگردد. این تصور قرن نوزدهم که نهایتاً "علم قادر است با ملاحظه عالم مادی پاسخ قطعی بر هر سوالی بیا فرزند" و همه پدیدارها را بسته این حدود جسمانی محدود سازد و اینکه بالاخره یک روز یک حکم مطلق از اصول و قواعد علمی برای ابد وضع خواهد گردید، در عصر حاضر جای خود را به این اعتقاد داده است که این جهان راز سر به مهری است در روای همه عقول. فرضیه نسبت انشتین که در نهایت اثبات میکند که هیچ قانون طبیعی علت و معلولی وجود ندارد نشان میدهد که وقایع مطابق با قوانین احتمالات آماری اتفاق می افتد و اینکه عالم در عین حال اعتباری است و اتفاقی. در چنین احوالی عالم علوم طبیعی در توقف بر موقوف یقین کلی و یا تسلط بر حقیقت مطلق در همان مرتبه عالی است که سروکار با جوهر انسانی دارد. هر دو عالمند زیرا هر دو شیوه ای علمی را به عنوان پایه های تفکر خویش برگزیده اند.

تعریف "روش علمی" ساده نیست. میتوان گفت جوهر ذاتی آن طلب یافتن مظهر حقیقت مطلق است تا حد و ممکن. برای رسیدن به آن باید عالم جهد کند که بر کنایه همه تعصبات، اغراض و پیش داوریهای خویش، وارسته و بی نظر بر پرسوالبهایی که جوابشان را جستجو میکند قرار گیرد. او نخست فرضیه ای می سازد و بر اساس آن آزمون و تحقیق میکند که اگر موجد فرض و پیشگویی هایش بود آنگاه ممکن خواهد شد که بعنوان توضیح پدیدارهای این مسئله فرضیه خویش را بصورت نظریه ای بیان کند و تا زمانی که عالم دیگری انزارد کند و یا تغییر بر دهد معتبر خواهد بود.

مهمترین شیوه جدیدی که در مباحثی نظیر جامعه شناسی و یا مطالعه ادیان بکار میرود روش "پدیدارشناسی" است که در آن پدیدارهای یک گروه اجتماعی یا یک نهضت مذہبی در قلمرو خود بدون تداخل در پدیدارهای غیر خود بدون پیش باوری و فرضیات اولیه مطالعه و تشریح میگردد. این روش پرهیز دارد از قضاوتها و نظیر آنچه که مثلاً "عیسویان در تفکر درباره اسلام از نظرگاهی کاملاً مسیحی و یا انگلیس ها در قضاوت درباره افریقائیان بسا میزان هائی کاملاً انگلیسی دارند.

با ملاحظه در روش علمی موقفی که یک بهائی برای خویش برمی گزیند روشن است یکی از اصول اساسی این امر بیان تطابق ذاتی علم و دین و عقل و ایمان است. در ظهورات قبل علمای دینی همواره نوشته ها و کشفیات نه تنها منجمین و شیعیدانان بلکه فیلسوفان و تاریخ نویسان روشنفکر را تحریم میکردند چنین اوضاعی نباید در امر بهائی بوجود آید. در حالیکه یکی از تعالیم دینت بهائی بوجود آوردن تطابق کامل بین دو عرصه حیات و تفکر آدمی است

يك بهائی مومن باصول امرخویش اجازه نخواهد داد كه عقلش او را از جوه غیر عقلانی حیسات روحانی اش ممنوع سازد وهم نخواهد گذاشت اعتقادات روحانی انحراف بر تفكرات عقلانی او آورد . رمز یافتن چنین تعادلی در درك د واصل نهفته است :

اول آنكه نه علم ونه دین هیچيك كمال مطلق ندارند

يكی از تعانیم اصلیه دیانت بهائی است كه ظهور مظاهر الهی را انقطاعی نیست و همواره ظهوراتی برای افاضه حقایق تازه به انسان وجود خواهد داشت ، حتی هنگامیکه میگوئیم ظهوری خاص در دوره خود كامل است باید بپذیریم كه برداشت جامعی از آن به همین اعتبار علم نیز دائما در ترقی و تكامل است واگرچه اصول ادیان و روش علوم در ادوار مختلفه تغییر اندك دارند لکن آنچه كه امروز بعنوان يك واقعیت علمی پذیرفته میشود بسیار محتمل است روزی بگر خطای آشكار گردد .

اصل ساده دوم آنكه همواره دین را ساحتی است كه علم را به آن راه نیست وهم بالعكس . مثلاً علم هرگز قادر به نفی و یا اثبات وجود خداوند ، ظهورات الهی و یا کیفیات روحانی نیست از سوی دیگر دین هم نمی تواند قبول یابد يك كشف بیولوژیکی ، يك حقیقت اجتماعی و یا يك واقعیت تاریخی كند و موقعی كه انسان بکوشد علم را در مقام دین و دین را به جای علم بكار گیرد انشقاق میان این دو عرصه هستی پدید می آید .

برای مثال پیش از آنكه در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی تغییری اساسی در علم نجوم روی دهد منجمین به حكمی كه از زمان افلاطون صدور یافته و از سوی کلیسا تقدیس شده بود چشم بسته متكي بودند و اعتقاد داشتند كه همه اجرام فلکی حول مداراتی كامل در گردشند . زمین در مركز منظومه ای از كرات و خداوند محرك اولی قائم بر مبداء كرات و حرکت دهنده كلیل شمی است و برای بیان تناقض نظریه د و ایرا حقایق رصد شده متوسل به تصور حرکات د و ابرتودرتو و پیچیده می گشتند .

كپرنیک ، كپلر ، تیکو براهه و دیگران تغییرهائی اساسی بوجود آوردند . دیگران این فرض آغاز نکردند كه اجرام سماوی حول مداری كامل طایفند بلکه این فرض را کنار گذاشتند و حرکت واقعی آنها را رصد نمودند و به جستجوی نظام حقیقی كه كپلر نشان برداختند . این مردان هیچيك ملحد یا ماده پرست نبودند . كپرنیک معتقد به کلیسا و كپلر مومنی ثابت قدم به خداوند بود و لکن کلیسا عاقبت محكومشان ساخت چرا كه شك در اعتبار روش علمی کلیسا كسبده بودند .

بهر حال در نهایت کلیسا ناگزیر از تسلیم در مقابل ثقل قاطع استدلال علمی گردید اما مذهب در این تسلیم زیبایی نندید . چه كه كپلر نشان عظیم و فریب ، مهیب و بی کران كه این مردان مشهود عالمیانش نمودند ، و رطبه پهناء آسمان كه پاسكال فیلسوف فرانسه را چنان به وحشت می انداخت و الهام بخش ن Donne شاعر انگلیس بود خداوند را اعظم و اعلی و قادر بر هر خدایی كه از قبل انسان تصورش کرده بود اثبات كرد . جهان تازه نیوتن بیشتر برآز نسبد

مقام حق بود تا پوسته های میان خالی مدور و موهومی که پیشینیان بدان معتقد بودند .
جهان پهناور را دینوتلسکوپیها با فاصله های غیر قابل تصورش با نیروهای باور نکردنی
و سالهای بی شماری که از هستی اش میگذرد انسان را در برابر اقتدار خست او ند و خالص
خود حقیر می سازد .

در همه حوزه های تحقیق علمی اینچنین است . اگر مذهب را پایه همه نظریاتمان
گمان کنیم به خطا رفته ایم ، نه به این دلیل که در شریعت ما خطا هست بلکه چون ناشناخته
از ادراک ما باقی مانده است . بهرحال شمول آن بیشتر بر مطالعه علمی تاریخ ، جامعه شناسی
و حتی مذهب است .

اگر اصل تطابق علم و دین منحصر " حمل بر " علم مطلق " گردد بر بسیاری از محققین
و متفکرین مشتبه خواهد شد که بهائیان بیش از آنکه قائل به ارزش ها و فلسفه تفکر علمی باشند
با ظواهر علم و صنعت همگامند .

تا پیش از این بهائیان کمتر نظر بر این مسئله داشته اند . در مفاهیم خود از تبلیغ امر ،
تعلیم مبتدیان و بیان اهداف و اصول امر نویسنده گان بهایی بیش از آنکه مستدل و عالمانه
بنویسند به نگارش از دیدگاهی خاص و اتکا بر موضعی کاملا " امری گرایش داشته اند
بخصوص تواریخ امری غیر انتقادی بوده قویا " به اسناد و مآخذ فرعی استناد کرده و بر اصولی
از پیش پذیرفته پایه گذاشته شده اند . در غرب بعضی کارهای تحقیق و شرح نویسی انجام
گرفته لکن هیچک از آنان علمی و محققانه به معنی غربی آن نیستند . اکثری از آنها مجموعه
اطلاعاتی هستند که حکایت از احاطه کامل ، مطالعه وسیع و حافظه قوی نویسنده میکنند لکن
عموما " غیر انتقادی ، بی قاعده و بی هیچگونه تحلیلی نوشته شده اند . این احوال در سالیها
اخیر شروع به تغییر کرده است . مقالات تحقیقی متعددی که توسط محققان بهایی و غیر بهایی
در نشریه مهم امریکائی World Order انشاء گردیده نشان داده است که بهائیان
توانائی آزاد دارند که عقایدی اصیل و منصفانه در مواضع تاریخ ، اقتصاد ، جامعه شناسی
روانشناسی ، تعلیم و تربیت و غیره ابراز دارند .

کتابهای انگلیسی جناب حسن بالیوزی بخصوص کتاب " ادوارد براون و دیانت
بهائی " و نیز کتاب " باب " کاربرد منابع اسناد اصلیه و تهیه مراجع و حواشی دقیق در نگارش
تاریخ دیانت بهائی را مدلل ساخته است . در انگلستان در حال حاضر چهار محقق جوان
بهائی در دوره دکترا در دانشگاههای اکسفورد ، کمبریج ، لندن و لانکاستر بکار تحقیق در حکمت
الهی ، تاریخ و جامعه شناسی امری پرداخته اند و همفشانه های آن وجود دارد که این ترقیات
در سالهای بعد توسعه خواهد یافت .

چند ماه قبل در دانشگاه لانکاستر به همت بخش مطالعات جامعه شناسی و ادیان
مجمعی تحقیقی در موضوع " مطالعات بهائی " انعقاد یافته بود . کوششی علمی و تحقیقی
در مطالعه ادیان از ارزشی فرهنگی وهم روحانی برخوردار است .

از جنبه فرهنگی تحقیق موثق نظر محققان را جلب کرده به اعتباری برای امرالسه

خواهد انجامید . در ارزیابی نتایج مطالعه علمی تفاوتی نمی کند اگر محقق خود بهائیان مسلمان ، کمونیست یا متعلق به هر مرام دیگری باشد . اگر کار او به وقت انجام گیرد کمتر قضاوت های یک طرفه در مورد آن مشاهده خواهد شد واضح است که از جنبه روحانی نیز هرگونه استنتاج امری که از چنین تحقیقی نتیجه میشود ارزشی بیش از آنچه که بر پایه احساس ها سنن و خرافه پرستی ها ساخته شده دارد .

برای مثال اکثر نوشته های تاریخی بهایی با این فرض اولیه مبتدا گردیده که امرالله ملهم به وحی الهی است و وقایع تاریخی در ارتباط با این فرض انتخاب و تعبیر شده و لکن چنین فرضی فقط برای آنهایی که بهایی هستند "ونه حتی همیشه" قانع کننده است با این وصف اگر ابتدا جمع آوری همه منابع اصلی در همه زمینه ها شود و بعد جریان وقایع بر اساسی کاملاً عقلی و علمی بنا گردد نتیجه قبول بهایی و هم غیربهای را خواهد یافت . وحشتی از این کار نباید وجود داشته باشد زیرا در اصل به اعتقاد ما حضرت باب و حضرت بهاء الله مظاهر الهی و شریعتشان ظهور الهی است و بنا بر این نتیجه چنین روش مطالعه و تفکری اثبات عقلی این اصل برای یک محقق منصف غیربهای خواهد بود .

گاهی اتفاق می افتد که چنان تحقیقی تاریخی نشان میدهد که بعضاً "مظهر امریه" برخی سلوک داشته که همه تلقیات ما را برهم می زند و با تاریخ امروز قیاسی دارد که مغایر تفاوت ما از آن تاریخ است . اگر دلایل عقلی کافی در اثبات این سلوک و این وقوع تاریخی وجود داشته باشد ما هستیم که می باید تعمق در مفاهیم خود و سعی در ادراک تعابیر این وقایع کنیم ، برمانیست که حکم بر سلوک مظاهر ظهور یا جریان وقایع کنیم . برای اینکه بدانیم نگارش تاریخ بر پایه قضاوتی پیش ساخته تا چه حد مضر به مصالح امریه است نمونه ای ذکر می شود :

چه تعداد از مورخین امر مومنان اولیه را در مقام اولیا و ملائک یا ادراکی تمام از امر خدا و سرپرستی محض به او یاد کرده اند که نه تنها خلاف عقل است (چون وقتی در حیات بعضی از آنان به تفصیل مطالعه گردد روشن است که اکثری از آنها معتقد به عقایدی غریب بوده اند که اغلب ریشه در گذشته عیسوی یا مسلمانان داشته و از آن رویدادی در میان خود افکنده اند) . بلکه حتی از نقطه نظر امری نیز به خطا رفته اند زیرا مثلاً اگر همه بابیه از ارواح الهیه بودند چه مقامی در ظل حضرت بهاء الله برایشان ممکن بود ، اگر اصحاب حضرت بهاء الله همه ملائک بودند چه تکاملی در عهد حضرت عبدالبهاء برایشان امکان داشت و اگر نه مومنان در زمان صعود حضرت عبدالبهاء مصون از خطا بودند چگونه میتوان وجود نقضی را که در ابتدا ای ولایت امر در برابر حضرت شوقی افندی روی داد ملاحظه کرد ، که تحمل فرمود ، مقام عدایی را که داشت و اتساع چشمگیری را که امر در ولايتش پیدا کرد پذیرفت . ماهیج مورخی را مصون از خطای دانیم و در کار همه کس امکان اشتباه وجود دارد .

و جنبه دیگر تفکر علمی را می توان در همین مقام ذکر کرد :

اول آنکه تحری حقیقت مفایر هرگونه منع عقاید ، تعصبات ، ریا و تبعیضات و موجود

عشق به حقیقت بخاطر حقیقت، احترامی صادقانه و عمیق به عقاید دیگران است . همه این شرایط در تطابق با روح مودعه در دعاوی امریهایی است . بارها حضرت بهاء الله در آثار خود ارتجاع و تعصب را به مانند اسفل شیاطین محکوم ساختند و ترویج را مضرود کردند و اصحاب خویش را به تحری حقیقت دعوت فرمودند .

جنبه آخر آن است که تحقیق های اصیل و ابتکاری به اعتقاد ارتور کوپسترود پیگران به عهده جوان هاست بزرگترین کشفیات علمی و بدیع ترین عقاید و افکار مردان و زنانی ارائه داده اند که در بیست تاسی سالگی از عمر خود بوده اند و سپس در دوران پختگی فکری عقاید سالهای جوانی را توسعه، تعدیل و عمق بخشیده اند و چنین حکمت و تعادل فیلووف فکسری در سالخوردهگی در خدمت اعتلا بخشیدن به ذخیره علمی بشر بر اهمیت است . متاسفانه در حال حاضر در ایران و حتی در جامعه بهایی مشاهده میشود محققینی که جوانتر از حد و در چهل سال هستند بانوعی تردید پذیرفته میشوند و خام و ناتوان تر از آن فرض می گردند که شرکت در اینگونه امور جویند . به خود بند و نصیحت کرده اند که تا به سن پنجاه نرسیده ام چه چیزی ننویسم . تا وقتی این احوال در گروگن نشود بسیاری فرضیه ها که مستلزم تغلا و تلاشند برای همیشه از دست خواهند رفت . اهمیتی ندارد اگر محقق جوان خطایی مرتکب گردد ، ارتکابش از سالخوردهگان نیز ممکن است . حتی مهم نیست اگر او فاقد حکمت و پینش سالخوردهگی است . مهم این است که ذهن روشن و جستجوگر او ممکن است نوری تازه برسوالی کهنه که از سالندان بجایمانده بیانند از د نظر به ای متهوران اصیل و پرمغز بوجود آورد .

جوانان بهایی را تشویق به مطالعه و تفکر در جمیع مواضیح کنیه تا از هانی هوشیار و جستجوگر محقق و پرکار بدست آورند و آگاهی و پینشی تازه از مفاهیم امر در عرصه های تازه ای از تحقیق و تفکر بیابند .

-
- 1- Irrationality
 - 2- Absolute reason
 - 3-Scientific rationalism
 - 4- Phenomena
 - 5- Phenomenology
 - 6- Edward Granville Brown and the
Baha'i faith
 - 7- The Bab

در بیان راه بقصد

منتخبی از کتاب "الانسان الكامل" تألیف "عزیزالدین نسفی"

بدان که راه بمقصد به نزد يك این ضعیف يك طریق پیش نیست و آن يك طریق آنست که در اول تحصیل و تکرار باشد و در آخر مجاهده و از کار بود. اول بمدرسه روند و از علم شریعت آنچه مالا بد است بیاموزند، و بعد از مالا بد علمی که نافع باشد بخوانند تا زیرک شوند و سخن نیک فهم کنند، که دریافت سخن درین بساب رکنی معظم است، و دریافت سخن در مدرسه حاصل می شود... و بنزد يك بعضی راه بمقصد و بطریق است، و هر دو بطریق موصل اند بمقصد اگر بشرط روند، یعنی سائرین الی الله و طائفه اند، و هر طایفه بطریقی می روند یکی طریق تحصیل و تکرار است، و اینها سالکان کوی شریعت اند، و یکی طریق مجاهده و از کار است، و اینها سالکان کوی طریقت اند.

ای درویش یکی سالک آن است که هر روز چیزی از آنچه ندانسته است بداند و یاد گیرد، و یکی سالک آن است که هر روز چیزی از آنچه دانسته است فراموش کند. در يك طریق وظیفه آن است که هر روز چیزی از کاغذ سپید سیاه کند، و در يك طریق ورد آن است که هر روز چیزی از دل سیاه سپید گرداند.

ای درویش بعضی از سالکان گفتند که ما حرفت نقاشی بیاموزیم و لوح دل خود را بعد از تحصیل و قلم تکرار جمله علوم منقش گردانیم تا جمله علوم در دل ما مکتوب و منقش شود، و هر چیز که در دل ما مکتوب و منقش شد، محفوظ ما گشت پس دل ما لوح محفوظ گردد. و بعضی از سالکان گفته اند که ما حرفت صیقلی بیاموزیم و آینه دل خود را بمصقل مجاهده و روغن زکریاک و صافی گردانیم تا دل ما شفاف و عکس پذیر شود، تا هر علمی که در عالم غیب و شهادت است عکس آن در دل ما پیدا آید، و عکس بی شبهت و درستتر از کتاب باشد، از جهت آنکه در کتابت سهو و خطا ممکن است، و در عکس سهو و خطا ممکن نیست و حکایت صورت گران چین و ماچین معروف است و دیگر آنکه افراد علوم بسیار و بیشمار است، بلکه انواع علوم بسیار و بیشمار است، و عمر آدمی اندک است، ممکن نباشد که همه را فکند تا دل را لوح محفوظ کنند بطریق تحصیل و تکرار، اما ممکن باشد که همه را فکند تا دل را آینه گیتی نماید کنند بطریق مجاهده و از کار.

گزارشی از موسسه عالی معارف بهائی

در روزان ۳۲ بدیع موسسه عالی معارف امرد رظهران تاسیس یافت .
قریب يك سال قبل از آن محفل ملی بهائیان ایران دستخط منبع بیت العدل
اعظم الهی را دریافت داشتند که در آن فرموده بودند :

" در این ایام که بیت العدل اعظم مشغول مطالعه امکانات و مشروعات
آتی و اهداف آینده نقشه جدیدی است از جمله لزوم تهیه وسائل
فعال و اتخاذ اقدامات سائر موثره برای تربیت يك عده از جوانان
مستعد و مشتاق کسب معارف امریه و تحصیل معلومات وسیع در باره
ادیان سابقه علی الخصوص اصول و مبادی اسلامی مورد توجه این
هیئت واقع شده لهذا اتفاقاً آنکه هیئتی مرکب از سه الی چهار نفر چیه
از اعضای آن محفل وجه از خارج آن انتخاب نمایند و درباره حصول این
مقصد مشورت نمایند باید کوشید که در آینده نیز فضلی طراز اولی در
جامعه بهایی ایران باقی مانند و حیف است امثال کواکب لمیمه ای از قبیل
حضرات مصباح ، فاضل ، اشراق خاوری در جامعه بهایی ایران که
منشاء امرالله است خالی ماند و احباً عزیز ایران از استفاضه از مبادی
عرفانیه و دقیق روحانیه این ظهور که به لسان فارسی و عربی نسازل
احبانا " محروم مانند لهذا تربیت معدودی از جوانان مستعد که لیاقت
و قدرت و تحمیل ممارست و تحقیق و تحصیل علوم قدیمه دینی و عرفانی
داشته باشند بسیار لازم است . انتظار داریم که نتیجه نظریات آن
محفل بر اساس پیشنهاد های هیئت منتخبه تا اوائل ژانویه به ایسین
هیئت برسد . "

هیئتی تشکیل یافت . پس از شور و متفق القول بر تاسیس موسسه ای تحقیقاتی گردیدند
اساسنامه ای جامع و دقیق انشا گردید و این هیئت معتقد گشت که تاسیس چنین مدرسه ای در
جامعه بهایی و علی الخصوص مهد امرالله لازم است و فوریت دارد .
اساسنامه به تصویب محفل روحانی ملی بهائیان ایران رسید و تقدیم بیت العدل

اعظم الهی گردید و پس از آن بود که ذکر موسسه عالی معارف امرد و پیام رضوان (۳۱) بدیع رفت و تاسیس آن از اهداف نقشه پنج ساله قرار گرفت .
 قریب به سه سال از تاسیس این مشروع می گذرد و سه سال است که مدرسین ، محصلین و محققین در این موسسه شروع به فعالیت کرده اند . مدبر مؤسســـــــــــــــــــــه مصاحبه ای را با هیئت جوانان آهنگ بدیع پذیرفتند که زیلا بنظر خوانندگان عزیز مبرسد .

ممکن است شرحی کوتاه از چگونگی تاسیس موسسه ذکر فرمائید ؟

با صدور پیام رضوان (۳۱) بدیع بیت العدل اعظم در فروردین ماه (۳۲) بدیع موسسه عالی معارف امر تاسیس شدند علی العجاله مکانی به آن اختصاص یافت . یکی از اعضای محفل مقدس ملی بهائیان ایران مسئول اداره آن گردید . پنج مدرس و بیست طلبه برای تدريس و تحصیل دعوت شدند و به این نحو حوزه تعلیماتی موسسه با تشکیل پنج درس و تعلیم کتاب مستطاب اقدس کتاب بیان فارسی ، قرآن مجید و معارف اسلامی ، آثار انگلیسی حضرت ولی امرالله و اصول صرف و نحو عربی شروع فعالیت کرد .
 حوزه تحقیقاتی نیز با تاسیس کتابخانه و به کمک اساتید فن ترتیب داده شد . از همان زمان مطالعه برای طرح اساسنامه های دقیق و قطعی آغاز گردید و این مهم پس از مذاقه بسیار فی الحال انجام پذیرفته است .

برپایه این اساسنامه اهداف اصلی این موسسه چیست . آیا خط مشی خاصی مورد نظر است که احتمالا برنامه های تعلیماتی و تحقیقاتی موسسه با توجه به آن انتخاب گردد ؟

هدف موسسه عالی معارف از روز نخست تعلیم معارف و حقایق امر مبارک از طریق تحقیق، مطالعه و تدريس کتب و منابع امری و غیر امری و تخصص و تعمق در الواح و آثار مبارکه بوده است. بر این پایه در بخش‌های تعلیماتی و تحقیقاتی در اتّفاق با هم برای موسسه در نظر گرفته شده لکن طرح اصلی آن است که موسسه عالی معارف بهایی به صورت يك مرکز علمی و تحقیقاتی وسیع در آید که کلاسهای درس تنها گوشه‌ای از کار را تشکیل دهد. کنفرانسهای علمی و تحقیقاتی، مجامع بحث و مشاوره، محوواصلی کار بوده در کنار آنها بخش‌های تعلیماتی بعنوان مرکز تحصیل و تدريس دائمی عمل نماید. این راه از آغاز خط مشی اصلی موسسه بوده است و در اساسنامه اولیه‌ای که در رید و امران شاگردید و هم در اساسنامه‌ای که فی الحال ملاک است نقطه بارز و اصلی کار قرار گرفته است. برای تحقق این هدف در اولین اساسنامه پیشنهادی موسسه سه موضوع ذیل جزء اهم مفاد آن عنوان گردید:

- تاسیس این مدرسه صرفاً بمنظور تقویت بنیه معنوی و علمی جامعه و آزدیاد نفوس دانشمند و مطلع میاشد و بنا بر این از محصلین هیچگونه تعهدی برای انجام خدمات امریه اخذ نخواهد شد. مسلم است با ایجاد شوق و رغبتی که بر اثر مطالعه آیات الهیه در آنان بوجود خواهد آمد نفوس مستعد و خوبه خود وارد خدمات عالیه امریه خواهند شد و تشکیلات به موقع از آنها استفاده خواهد کرد.

- در حال حاضر نفوس محترمی در ایران قائم به تبلیغ و مشغول به تحقیق و مطالعه در مسائل دینی و امری میباشند که میتوان از طریق تهیه وسائل و موجبات مطالعه بیشتر برای آنان از طرفی به تقویت بنیه علمی و معنوی آنان افزود و از سوی دیگر موجبات استفاده و استفاد از آنان را بیش از پیش فراهم نمود و بعنوان ایضاح مطلب میتوان بعرض رساند که اگر موجباتی آید که از این نفوس در تحقیقات علمی و ادبی استفاده نمایند و تتمتع در معارف دینی و تحریر رسائل و تصنیف کتب را تکلیف اختصاصی و انحصاری آنان بشمارند و موجبات و وسائل کار را از هر جهت برای این نفوس جلیله فراهم آورند مسلماً نتایج عالیه در اشاعه و تکمیل معارف عالیه در جامعه بهایی حاصل خواهد شد.

- نفوس محقق و دانشمندی فعلاً در خارج از ایران

اوقات دارند که سطح معلومات امری و معارف عمومی آنان در حدی است که از مخارج جامعه بهایی بوده و با زیور علوم و دانش روزنیـز آراسته اند . اگرچه این نفوس زکیه ابلاغ شود و بداند که بیست - العدل اعظم الهی به ترقی بیشتر معنوی و علمی آن نفوس علاقمند هستند مسلماً" برای تحقیق نوایای آن مرکز منبع اقدام کرده اوقات بیشتری را صرف تحقیق و مطالعه و بسط معارف دینی خواهند کرد .

با این اوصاف کاملاً قابل ملاحظه است که موضوع تحقیق و تشویق و ترغیب محققین تا چه حد مورد نظر مؤسسه میباشد .

ممکن است در زمینه برنامه های حوزة
تعلیماتی توضیح دقیقتری بفرمائید ؟

برنامه تعلیماتی مؤسسه در حال حاضر از سه دوره تشکیل
می یابد .

- دوره اول بمدت دو سال بمنظور آماده نمودن محصلین
از نظر زبان فارسی عربی و انگلیسی و نیز معارف اولیه و مطالعات
مقدماتی بجهت فراگیری معارف عالییه امری می باشد . دروسی که
در این دو سال تد ریس میشوند در چهار مرحله مرتب گردیده :

مرحله اول ، شامل دروس زیر :

- متون امری بفارسی
- متون امری به انگلیسی
- تاریخ مختصر امر
- تاریخ مختصر ادیان
- نظم اداری
- اصول صرف عمیری
- مطالعات جنبی

مرحله دوم ، شامل دروس زیر :

- متون امری به عربی
- کتاب مستطاب اقدس
- متون امری به انگلیسی
- تاریخ مختصر امر

- احکام
- تاریخ مختصر ادیان
- اصول نحو عربی
- مطالعات جنبی

مرحله سوم، شامل د روس زیر:

- آثار حضرت نقطه اولی
- متون امری به انگلیسی
- استدلال عقلی
- منطق
- کلیات تعالیم اجتماعی امر
- تاریخ فلسفه غیب
- عربی تکمیلی
- مطالعات جنبی

مرحله چهارم، شامل د روس زیر:

- آثار حضرت نقطه اولی
- قران مجید و تفسیر
- متون امری به انگلیسی
- استدلال نقلی
- حکمت
- تاریخ فلسفه شرق
- عربی تکمیلی
- مطالعات جنبی

دوره دوم : دوره تخصصی بمدت یکسال . در حال حاضر فقط يك بخش تخصصی معارف اسلامی تد ریس میشود و در آینده بسا گسترش موسسه دوره های یکساله برای رشته های دیگر تخصصی نظیر فلسفه شرق ، معارف ادیان و اصول علم فقه تاسیس خواهد شد و برنامه د روس آنها دقیقاً "تهیه و تنظیم خواهد گردید فعلاً برنامه د روسی که برای دوره تخصصی معارف اسلامی وجود دارد

درد و مرحله مرتب گردیده .

مرحله اول شامل دروس:

- قرآن مجید و تفسیر
- علم کلام
- اصول فقه
- علوم قرآنی
- آثار حضرت نقطه اولی
- عرفان و تصوف
- علوم و اصطلاحات شیعی و اسلامی
- مطالعات جنبی

مرحله دوم ، شامل دروس :

- قرآن و تفسیر
- علم کلام
- تاریخ اسلام
- علوم قرآنی
- آثار حضرت نقطه اولی
- عرفان و تصوف
- فرق اسلامی و اصول عقاید آنها
- مطالعات جنبی

دوره سوم : دوره عالی تحقیقی بمدت حنا قل يك سال . در این دوره هر يك از محصلین که دوره سه ساله قبل را گذرانده باشند میتوانند با مشاوری یکی از اساتید به تحقیق در زمینه خاصی پرداخته نتایج مطالعات خود را بصورت رسالاتی ارائه دهند .
برای تدریس در رکنه این دوره ها از افضل اساتید امر در بایران یا خارج از بایران دعوت میگردد .

توضیحی هم در باب برنامه های فعلی
و آتی بخش تحقیقاتی مؤسسه و فعالیتهای
تحقیقی که در طول این مدت ششده
بفرمایید ؟

فعالیت‌های تحقیقی در موسسه هنوز پدیدار رستنی شکل نگرفته و لکن به همت محصلین و به همراهی و مشاوره مدرسین کارهایی شروع شده . نمونه هایی رامیتوان ذکر کرد :

به کمک لجنه ملی محفظة آثار امری نسخی از آثار حضرت اعلی (آنچه در دسترس بوده) اعم از خطی و چاپی جمع آوری گردیده با مراجعه به سوابقی که از محققین قبل در جامعه امری و خارج امر موجود است تشخیص و تمیز این کتب آغاز گردیده کلیه این آثار استنساخ میگردد . نسخه های متعدد مطابقت می شود نسخه کاملتر ، صحیح تر و دقیق تر مشخص میگردد . از لحاظ موضوعی فهرست برداری شده و طبقه بندی میگردد . سعی میشود کلیه خطوط معتبری که کتاب بدانها نوشته شده جمع آوری و معین گردد .

فعالیت تحقیقی جمعی دیگری که توسط عده ای از محصلین از سال قبل شروع شده بررسی دقیق و مطالعه کامل استدلالیه مفصل جناب صدر الصد و راست تاملات کلبه احادیث ، اخبار و آثاری که ذکرشان در کتاب آمده بدست می آید و مرتب و منظم گردد . این کار هنوز نیمه تمام است .

چند مورد کارهای تحقیقی خصوصی هم هست که در موسسه انجام گرفته و فعلا در مرحله طبع است در خصوص بعضی از الواح حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء و نیز توقیعات حضرت ولی امرالله از جهت معرفی فهرست مواضع و سوابق و توضیح اشارات مندرج در آنها تحقیقاتی توسط عده ای از طلاب انجام یافته و نزدیک به اتمام است . سعی بر این است که نتایج آن به تدوین منتشر شود .

بهر حال گوشه هایی از کار بعنوان نمونه ذکر گردید موسسه به تحقیق بسیار اهمیت میدهد ، در این زمینه هدفی که بسیار اهمیت دارد این است که ان شاء الله اهل مطالعه و تحقیق اینجاریابشناسند . برای تحقیق و تحصیل اینجا بایند در صورت امکان از تحقیقات آنان استفاده شود با آنان از مشاوره استفاده موسسه استفاده کنند . این نوع فعالیتها موسسه را به گامی بسیار تحریک بدل خواهد نمود .

چنین موسسه ای کتابخانه ای کامل و جامع لازم دارد چه کوشش هایی در این زمینه

شده و کتابخانه فعلی موسسه از چه — و
وضعیتی برخوردار است ؟

در حال حاضر مشغول تهیه کتب لازم چاپ های قدیم
و نیز کتب و زین و با ارزش جدید انتشار هستیم لکن هنوز کتابخانه
موسسه خیلی محدود است . برای گسترش آن مشغول مطالعه
هستیم در بین امکانات مادی محل در درجه اول اهمیت تقرر
دارد بهر حال کتابخانه در جریان تکمیل است . مقداری از کتب
بسیار با ارزش نایاب توسط اشخاص و بعضی اساتید مدرسه اهدا
گردیده . کمک محفظه آثار بسیار موثر است . تعداد زیادی از کتب
با مشورت اهل فن در حال تهیه است . با نشریات و زین ادبی
و علمی در ایران و خارج نیز مکاتبه خواهیم کرد . از کتابهای موجود
در کتابخانه فهرستی در دست تهیه است در صورتیکه کتابخانه
شکل کاملی بگیرد انتشار فهرستی کامل از منابع و ماخذ موجود در
کتابخانه موسسه عالی معارف بسیار مفید خواهد بود . این کار فهرس
از آنکه بحال محصلین و محققین مؤثر خواهد بود برای هیئت
ولجته هایی که به نحوی در زمینه های تحقیقی و علمی فعالیت
دارند بسیار تأثیر خواهد داشت .

در حال حاضر اغلب محصلینی که برای
تحصیل به موسسه می آیند برنامه تحصیلی
دیگری دارند و درس موسسه در واقع برنامه
دوم آنهاست . در حالیکه واضح است
که اگر ترتیبی اتخاذ گردد که درس موسسه
عالی معارف امر برنامه اصلی و اول آنان
تلقی گردد نتایج ارزنده تری بدست
خواهد داد . آیا در این زمینه و سر آوردن
این هدف فکری شده است ؟

البته نظر نهایی این است که موسسه در همه اوقات روز -
دافراشد و بیشتر در بین افرادی هستیم که فرصت کاملی برای
تحصیل و تحقیق در این جاداعته باشند تا بتوانند بیشتر وقت خود را
به این کار اختصاص دهند . و در واقع بجای تحصیل در دانشگاه

دروهله اول تحصیل در اینجا را انتخاب کنند ، تا به حال معدودی از شاگردان نیز همین راه را پذیرفته اند . حتی وسایل را در نظر داریم که کسانی از سایر شهرها برای تحصیل در این مؤسسه بسط طهران بیایند به محافل هم این موضوع را اطلاع داده ایم در هیئت مدیره نیز ارجاع به این موضوع بسیار صحبت شده . اگر نفوس مستعدی را و طلب شوند همه وسایل برایشان فراهم خواهد بود .

آیا مؤسسه عالی معارف امر از نظر قوه علمی و سطح دروس از چنان اعتباری برخوردار هست که اگر نفوس مستعدی تحصیل در مؤسسه را بجای تحصیل در دانشگاهی معتبر برگزینند و درس مؤسسه را برنامه مرجع خود قرار دهند انتخابی درست و منطقی کرده باشد ؟

مؤسسه در این سه سال نظم و شکلی رایافته است کسسه دوام آن را ضامن باشد . از جهت کیفیت آکادمیک سطح دروس و قوه علمی به اعتقاد ما قادر به پرکردن جای دانشگاهی معتبر هستند لکن بضمیمه است که امکانات کمی و مادی مؤسسه بخصوص در این مدت کم قدرت چنین برابری را نخواهد داشت . شاید تعسدا در دروسی که در اینجا تدوین میشود به اندازه دروس يك دانشگاه پس از سالها کار تجربه برنامه ریزی نیست لکن این برنامه با وسواس و دقت زیادی انتخاب شده و اعتقاد شورایی که این دروس را تعیین کرده همراه آن است .

از طرف دیگر به اعتقاد بنده فرق است میان معارف عالییه امر و درس مدرسه و دانشگاه . معارف امر کیفیت خاصی دارد که طسبت ایجاد حرکت ذوقیه و شوقیه در افرادی گردیده که به نهایت درجه علم و معرفت رسیده اند . فضایی که زکیشان در دستخط منبسط بیت العدل اعظم الهی آمده شاید حتی عشری از کمالات و معارف عالییه خود را در مدارس نیاموخته اند . بنابراین مؤسسه عالی معارف امر گذشته از جنبه برنامه ریزی دقیق آکادمیک نظریه این مهمم دارد و اگر بتواند چنین حرکتی را در نفوس ایجاد کند کار عظیمی کرده است .

بهر حال وجود چنین موسسه ای جای خوشوقتی بسیار است لکن به نظر می‌رسد بروز اثراتی با ارزش و معتبر از این مرکز تحقیقی و علمی بیگانه سند و دلیلی برخوردار نیست از چنان اعتباری خواهد بود آيا نتایج و شمرات ارزنده ای در این مدت بدست آمده که دلیل این مدعا باشد ؟

از دانشگاهی معتبر با ارزش علمی بسیار چه انتظاری می‌رود ؟
 جز مطالعه ، تحقیق و توسعه معارف ؟
 به اعتقاد بنده موسسه ملی معارف امر این شرایط را دارا خواهد شد ، از نظر کیفیت کار امکان این را خواهد داشت . لکن برای بروز نتیجه اثر و ثمر آن زمان لازم است . همه دانشگاههای معتبر عالم برای ارتقاء به چنین مرتبه‌ای از اعتبار زمان زیادی داشته اند . مهم همان نقطه اصلی اولیه است که اگر با اصلیت و استحکام گذشته شود هر چند سالها طول بکشد ، شمر خواهد داد . ما موبد به این هستیم که هیئت جهانی بهایی این موسسه را تأسیس کرده و مبنای آن تائید بیت العدل اعظم الهی است شاید هیچگاه در قتل چنین مرکز اجتماعی از دیرین با این هدف جامع و کلی تأسیس نیافته باشد انشاء الله گذشت زمان ، تائیدات بیت العدل اعظم الهی و شوق و شور مد رسین و محصلین طلیت حصول نتایج عظیم خواهد بود .

با تشکر فراوان بخاطر قبول این مصاحبه
 در خاتمه این سوال مطرح است که آیا
 در مورد گسترش این موسسه فکری شده
 است ؟

اصل اول اساسنامه موسسه عالی معارف امر همین است که
 با گسترش و افزایش مواد تدريس و تأسیس بخش‌های تخصصی در آینده
 مرکز مطالعات و تحقیقات بهایی بشود .

امید است که چنین گردد .